

میرزا باقر بواناتی

میرزا باقر بواناتی شیرازی یکی از آن کسانی بود که در راه بیداری و ترقی ایران بلکه شرقیان خدمات و فداکارهای فراوان انجام داده و قسمتی از صفحات تاریخ پنجاه سال پیش ایران را بنام خویش مزین نموده است ، فقید مزبور در آغاز جوانی مرز و بوم خویش را ترک گفته و سالیان دراز در هندوستان و ترکیه و مصر و جزیره العرب و مدتی نیز در انگلستان بسر برده و از راه نطق و خطابه و خامه توانای خویش از حقوق ملل شرق دفاع نموده است .



میرزا باقر بواناتی

بواناتی در نزد ویکتوریا ملکه انگلستان مقام جمندی داشته و بطوریکه مشهور است ملکه انگلیس درباره وی گفته « اگر میرزا باقر بواناتی بار دیگر با من بشیند مرا مسلمان خواهد نمود » مرحوم بواناتی از دسته سید جمال الدین اسدآبادی ، معلم بطرس بستانی و ادیب اسحق و شیخ محمد عبده بوده و مؤلفات زیادی بزبانهای فارسی و انگلیسی از خود بیادگار گذاشته . مخصوصاً فرهنگ انگلیسی و فارسی معروف به « والستون » که از بهترین فرهنگهای

موجوده است از بالاترین آثار علمی و ادبی آن دانشمند بزرگوار شمرده میشود . تبدیلات و در راه اسلام باندازه ای مؤثر بوده که عده زیادی از انگلیسها بدست وی ایمان آورده و دین اسلام را قبول نموده اند .

سوانح عمری و گزارشهای زندگانی وی محتاج بیک جلد کتاب جداگانه است و فقط نگارنده قسمتی از نوشته های مرحوم بر نمود رون انگلیسی را راجع باو ترجمه و بخوانندگان تقدیم میدارد .

یکی از فرزندان آن مرحوم آقای محمد باقر که یکی از نویسندگان و دانشمندان نامی ممالک عربی هستند امروزه در سوریه مقام شامخی در عالم مطبوعات دارا میباشند، با آنکه این نویسنده تا کنون ایران را ندیده ولی بواسطه عشق سرشار و دلبستگی زیادی که به میهن اصلی خود دارد نام پدر بزرگوارش را زنده و جاوید نگه داشته است :

باقی بذکر خیر بود نام آدمی نام نکوست حاصل ایام آدمی
ترجمه مراسله پرفسور برون به آقای محمد باقر فرزند بواناتی :
کمبریج ۹ مارس ۱۹۰۹

« در آغاز جوانی که بتحصیل علوم شرقیه پرداختم نخستین استاد من مرحوم میرزا باقر معروف بابراهیم معطر بود. ملکات فاضله و اخلاق آن مرحوم از بیست و پنج سال پیش که رهسپار بیروت شد و بکلی از هم جدا گشتیم هنوز از خاطرم نرفته و همواره حق استادی وی در نظرم مجسم است .

آشنائی من با آن مرحوم در سال ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۴ مسیحی شروع شده و در آن اوقات بسیار بخدمتش می رسیدم و او قرآن شریف و قسمتی از اشعار فارسی خود معروف به (شمیسه لندنیه) و تفسیر منظوم قرآن را بمن مباحثه و موعظه اشعارش در لندن بچاپ رسیده و من بکمک و همراهی آن مرحوم به بسیاری از رموز و اشارات آن پی میبردم، این اشعار در نهایت دشواری است و ممکن نیست کسی بدون شرح و تفسیر سراینده آن بمعنیش پی برد، زیرا بساری اوقات اداره بمکاشفات، اوضاع سیاسی و بانام وزراء و بزرگان معاصر نموده و چه بسا نام برخی از آنان را از انگلیسی شعر آفرینی ترجمه نموده و چنان کرده است که کسی نمیتواند بدون تفسیر او و یا بدون اینکه کسی برای خواننده آنرا معنی کرده و رموز و نکاتش را بیان نماید بمعنی آن پی برد زیرا که بواناتی ترجمه تحت الفظی هر اسمی را نموده و آنرا بصورت رمز و اشاره در آورده است و تا انسان آگاهی از اوضاع سیاسی آن عصر نداشته باشد ممکن نیست چیزی از آن را در یابد .

در علوم دینی و زبانهای قدیم و جدید مانند عبرانی، یونانی، انگلیسی، عربی و فارسی از دانشمندان و نوابغ عصر خود بشمار میرفت، مخصوصاً زبان انگلیسی را در کمال فصاحت تکلم مینمود و باسلوب فلاسفه و علمای آن زمان مینوشت. بواناتی یکی از سخن سرایان بزرگ بود و حتی هنگام خوراک ساکت نمی نشست، و بسیاری از ایرانیان مانند پرنس ملکم خان سفیر آنوقت ایران در لندن از قدرت بیان او مرعوب بودند.

بطوریکه بواناتی خود برای من حکایت کرده: مذهب تشیع داشته و پس از طی مراحل شباب سپس بطریقت درویشی در آمده و خود را میرزا باقر خدائی معرفی نموده، آنگاه سفری به هندوستان کرد و برای پی بردن باساس مسیحیت نصرانی شده و تمام علوم عبرانی و یونانی و لاتینی را فرا گرفت. قسمی که مبلغین و رهبانان این مذهب خواستند او را بر تبه اسقفی ترقی دهند، پس از تبجر در لاهوت و اطلاع از اسرار آن بخواندن تألیفات ولتر و برخی از طبیعیون دیگر برداخت و در نتیجه شکلی دراصل دیانت مسیح برایش رخ داده و رساله ای درباره مسیح انتشار داد و مذهب نصاری را یکباره ترک گفت (در سال ۱۹۱۱ مسیحی نیز یکی از علمای فرانسه یعنی «دکترینه، سانگله»^۱ کتابی در چهارجلد در همین باب انتشار داد که هیاهوی عجیبی در اطراف آن شد و این کتاب تا با امروز مرجع و مورد توجه برخی از دانشمندان اروپا میباشد: و اسم فرانسوی آن چنین است:

« La Folie de Jésus, son hérédité, sa constitution, sa physiologie »

ولی روح جوالش آرام نمی گرفت و میخواست خود را سرچشمه حیات برساند بنا بر این سفری به بغداد نموده در آنجا یهودی شد و باندازه ای در علوم و عقاید مذهبی یهود دست یافت که پس از چندی بر تبه حاخامی ارتقاء یافت، آنگاه در دیانت اسلام مطالعات عمیق تری نموده و در آخر کاد اسلام را بر نصرانیت و یهودیت برتری داده سر انجام یکی از مبلغین بزرگ و دعوات نامی اسلام گشت. یهودیها از ترک میرزا باقر خیلی متاثر شدند و چیزی نگذشت که او از بغداد به بوشهر و از آنجا بانکاستان رفت.

مرحوم شیخ رشید رضا صاحب مجله (المنار) در جلد اول کتاب تاریخ زندگانی شیخ محمد عبده ص ۸۱۸ - ۸۱۷ می نویسد :

«هنگامی که شیخ محمد عبده برای حل مسئله مصر و سودان عازم لندن گشت مترجم بین او و سیاستمداران نامی انگلستان مرحوم میرزا باقر بود.

یکی از شعرای هندوستان در آنوقت قصیده‌ای بزبان اردو در مدح ملکه انگلیس سروده و پس از ترجمه مضمون قصیده دستور داد تا عین آنرا بشعر برایش ترجمه نمایند ، سوای میرزا باقر شخصی دیگری در لندن یافت نشد که از عهده چنین ترجمه شاعرانه بر آید و ملکه انگلیس پس از ترجمه قصیده دستور داد بانصد لیره بمیرزا باقر پردازند ولی آن مرحوم آن مبلغ را رد نموده و اظهار داشت : تنها جایزه من اینست که یا ملکه دین اسلام را پذیرد و دولت انگلیس از مصر صرف نظر نماید .

مرحوم میرزا باقر بواسطه هوش زیاد وحافظه عجیب خود یکی از اعجوبه های روزگار بود و در تاریخ اسلامی سوای دانشمندان بزرگوار کمتر کسی چنین صفات و مزایائی را دارا بوده است .

میرزا باقر کتاب عهد قدیم و عهد جدید را بکلی از بر داشت و همواره در مباحثه مطالب مذهبی حاضر جواب بود ، از آیات قرآنی زیاد استشهاد مینمود و قرآن را با شرح نزول آیات تفسیر نموده و در راه تبلیغ دین اسلام کمتر وقتی بذکر احادیث و اخبار استدلال می جست .

برقصور (برون) در کتاب «یکسال در میان ایرانیان» پس از تهیه مقدمه چنین می نویسد :

«میرزا باقر نصف دنیا را سیاحت کرده و شش زبان را بخوبی آموخته بود ، وی از آن بزرگان و راد مردانست که در خور احترام همه مردم بود ، در تمام دوره زندگانش بهیچوجه بکارهای دنیوی نمپرداخت ، بمال و متاع دنیا و آسایش تن خود کمترین توجهی نداشت و هیچگاه از راه چاپلوسی و زمانه سازی به مردم نزدیک نمیشد . در اشعار و غزلیات خود گاهی از صلیبی ها ، اعراب ، اولیاء و مقدسین ،

جنگجویان و سلاخشوران - سخن رانده سپس برخی مسائل روزانه، خاطره های شخصی، قصص و اساطیر یهود، تعلیمات ربانی را مطرح میکنند، گاهی نیز بشکوه و شکایت، تهدید و وعید، پیش گوئی، رجم بالغیب، تفسیر کتب آسمانی، افسانه های قدیم ایرانی، مسائل لاهوتی و تفسیر قرآن میپردازد»

در کتاب «تاریخ ادبی ایران» باز هم پرفسر برون شرحی بمضامین فوق راجع بمیرزا باقر نوشته که از ترجمه آن صرف نظر گردید.

استخوانهای پیدا شده

۱۵ هر بوط به ملیون سال پیش

در حوالی قسمت دریاچه باخاش واقع در قزاقستان در وادی رودخانه (شو) استخوان های بعضی حیوانات پستان دار در موقع حفريات علمی بدرست آمده و از قرار تحقیقات علمی این حیوانات در يك مدت خیلی طولانی قریب ۱۵۰۰۰۰۰ سال پیش در اینجاها زندگانی می کرده اند .

این استخوانها از قرار معین هر بوط بحیوانانیست که میان کرگدن واسب بوده ویکنوع شکل ارباط مابین کرگدن واسب داشته اند.

بعد از این کشفیات هیئت های علمی و فنی عازم ناحیه قزاقستان گردیده و در نقاط مزبور از ماه مه تا ماه اوت مشغول تحقیقات و تدقیقات فنی شده و در باب این استخوانها مطالعات علمی خواهند نمود .